

بحران اقتصادی دوران پهلوی

۲۴ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۳۸

در روز ۲۸ خرداد ۴۲ روزنامه اطلاعات در مقاله ای به وضعیت وخیم اقتصاد اشاره کرد. اعتراف بانک مرکزی رژیم پهلوی به وجود بحران اقتصادی از بیکاری گرفته تا رکود شدید خود دلیل معتبری است که این رژیم در اداره امور کشور تا چه اندازه بی کفایت بوده است.

در روز ۲۸ خرداد ۴۲ روزنامه اطلاعات در مقاله ای به وضعیت وخیم اقتصاد اشاره کرد. اعتراف بانک مرکزی رژیم پهلوی به وجود بحران اقتصادی از بیکاری گرفته تا رکود شدید خود دلیل معتبری است که این رژیم در اداره امور کشور تا چه اندازه بی کفایت بوده است.

۲۸ خرداد ۱۳۴۲

روزنامه شاهنشاهی: بیکاری، فساد و بحران در کشور بیداد می کند

روزنامه اطلاعات امروز در سرمقاله خود به بحران های متعدد موجود در کشور پرداخت.

این روزنامه نوشت «امروز دست روی دل هر که بگذاری می بینی فغانش به آسمان می رود که کار نیست ، پول نیست ، بازار کساد است و البته مردم حق دارند زیرا متاسفانه یک چنین بحرانی در مملکت پیدا شده است »

این روزنامه دلیل بحران شدید اقتصادی در کشور را چنین به نقل از خوش کیش مدیر کل بانک ملی [۱] تحلیل کرد که « یکی از علل فرار سرمایه و رکود معاملات در نیمه دوم سال گذشته شایعاتی بود که درباره مصادره و تقسیم مستغلات وجود داشت و بحث آن به کنگره اقتصادی کشید و چون این شایعه با قوت ترویج یافته بود هرچه مقامات مسئول می گفتند چنین فکری وجود ندارد به خرج مردم نمی رفت»

اطلاعات ادامه این بحران را به گردن قیام ۱۵ خرداد انداخت و به نقل از خوش کیش نوشت «می رفت که کم کم اثرات آن شایعه بی اساس از بین برود و معاملات رونقی بگیرد معهدا از ۱۵ خرداد با پیشامدهای این ایام بار دیگر آثار بهبود وضع و اندک توفیقی

این مقام افزوده است: در ایام اخیر کارخانجات معتبر آنقدر درآمد و فروششان تقلیل یافت که حتی نتوانستند حقوق کارگران خود را پردازند.

سرمقاله نویس اطلاعات در پایان نتیجه گرفته است: اگر ما از بیکاری و بی پولی می نالیم تقصیر ما و عکس العمل کارهای خود مان است. به قول عرب ها خود می زنیم و خود فریاد می کشیم. [ارک اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۲][۲]

بانک مرکزی دلایل بحران اقتصادی ایران را تشریح کرد

از سوی دیگر در گزارش تسلیمی به مجمع عمومی بانک مرکزی ایران که اخیرا تشکیل گردید وضع اقتصادی کشور تشریح شد.

در این گزارش نوشته شده که با ادامه یافتن رکود و نتیجتا کاهش اطمینان به معاملات، نرخ بهره برای وام گیرندگان معتبر کاهش یافت ولی تعداد کسانی که معتبر شناخته می شوند معدود بود.

در این گزارش تصریح شده است: نتیجه اقدامات اولیای امور اقتصادی کشور بر پایه محکم تری استوار گردید ولی با وجود این اقدامات به علت عدم اعتمادی که از عوامل مختلفه منجمله شایعات بی اساس ناشی می شد میزان سرمایه گذاری طویل المدت در رشته های مختلف کاهش یافت.

با وجود این بی اعتمادی گسترده بانک مرکزی در پایان امیدواری می دهد که «علل اقتصادی بحران سه ساله اخیر تا حدود زیادی منتفی گردیده است و محققا رشد اقتصادی کشور به نحو رضایت بخشی از سر گرفته خواهد شد» [اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۱۶]

روزنامه های خارجی که شاه را ضد ظلم خواندند!

با وجود سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد توسط رژیم شاه روزنامه لاسوئیس در شماره اخیر خود نوشت: شاهنشاه و دولت ایران دست به یک رشته اصلاحات اساسی زده اند که هدف آن واژگون کردن اساس ظلم و بی عدالتی و بنیان گذاری ایران نوین و پیشرفته است!

این روزنامه در ادامه بدون در نظر گرفتن روی دادهای خونین اخیر نوشت: تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران به طور مسالمت آمیز و در کمال آرامش صورت می گیرد. [اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۴۲، صفحه ۱۶][۳]

پی نوشت ها:

۱- یوسف خوش کیش در سال ۱۳۳۹، از معاونت بانک سپه به مدیر کلی بانک ملی رسید و سپس سمت رئیس کل بانک مرکزی به او تفویض گردید و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به دلیل فسادهای کلان و خیانت در حق ملت ایران محاکمه و اعدام شد. مطبوعات کشور ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ اعلامیه دادستانی انقلاب مبنی بر اعدام یوسف خوش کیش مدیر کل بانک مرکزی در رژیم طاغوت را منتشر کرده بودند. در این اعلامیه، دادستانی انقلاب نوشته بود که خوش کیش پس از محاکمه در روزهای ۱۸ تا ۲۰ مرداد، مفسد فی الارض و محارب با خدا و رسول او تشخیص داده شد و سحرگاه ۲۴ مرداد ۱۳۵۹ اعدام گردید.

در این اعلامیه آمده بود که خوش کیش در طول مدیریت خود، به اقتصاد کشور خیانت بزرگ کرده بود و مرتکب هلاک حرث و نسل شده بود.

۲- اعتراف بانک مرکزی رژیم پهلوی به وجود بحران اقتصادی از بیکاری گرفته تا رکود شدید خود دلیل معتبری است که این رژیم در اداره امور کشور تا چه اندازه بی کفایت بوده است ولی انداختن تقصیر این بی کفایتی به قیام مردم نوعی فرافکنی است. طبیعی است که خیزش مردم دلایلی دارد که نارضایتی از حکومت یکی از دلایل و اصلی ترین علت آن است وقتی بحران وجود دارد انقلاب روی می دهد و طبیعی است که انداختن تقصیر بحران به گردن انقلاب حرکت از آینده به سوی گذشته است و در عرف منطقیون به این نوع حرکت مغالطه گفته می شود.

۳- نادیده گرفتن روی دادهایی که حتی رژیم شاه نتوانسته بود آن ها را انکار کند از جمله سرکوب ملت ایران در خیابان های تهران که به شهادت ده ها نفر منتهی شد و مسالمت آمیز خواندن اقدامات شاه از جمله عجایب روزگار است که در کشورهای پیشرفته ای که آزادی بیان شعار آنان است شگفت انگیز به نظر می رسد با این وجود گذر زمان نشان داده است که مطبوعات غربی به راحتی می توانند در ازای دریافت رشوه چشم بر واقعیات ببندند و دروغ بنویسند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

